

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۳

جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۹۳، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

ممد تقوایی

پیروزی مردم کوبانی،

دست‌آورد مهم جنگ مردم با اسلام سیاسی!

بوکوحرام:

جمهوری اسلامی منهای مشاطه گران اصلاح طلب!

رکوردشکنی دزدان و موعظه دوری از مال اندوزی!

داستان کهنه "رئیس جمهور بی تقصیرست"!

صفحه ۷

جمع آوری دیش های ساتالایت در

شهرهای کردستان، مردم در مهاباد

با سرکوبگران درگیر شدند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

اطلاعیه شماره ۱۴: "کمپین بهنام را آزاد کنید

حمایت اتحادیه کارگران پست

کانادا از بهنام ابراهیم زاده

صفحه ۱۰

سخنرانی های مینا احدی

در دو کنفرانس در فرانکفورت و

گومرزباخ آلمان در ماه فوریه ۲۰۱۵

صفحه ۱۰

پیروزی چپ در یونان: آغاز بهار سوسیالیستی؟

مصطفی صابر

صفحه ۲

شبکه همبستگی کارگری یک ضرورت تاریخی

مصاحبه با شهلا دانشفر پیرامون برگزاری اولین جلسه

شبکه همبستگی کارگری

صفحه ۳

اولین پیش لریزه ها در نظم به بن بست رسیده سرمایه!

حمید تقوایی

صفحه ۶

زمین لریزه سیاسی در یونان

علی جوادی

صفحه ۵

یک گزارش از گرگان درباره اوضاع و احوال کلی و وضع معیشتی مردم

صفحه ۸

کارگران معدن آق دره باید به اخراجها اعتراض کنند!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹



پیروزی چپ در یونان: آغاز بهار سوسیالیستی؟

مصطفی صابر

یک کارگر زن یونانی در مصاحبه با یکی از خبرنگارها گفت: "خجالت میکشم بگویم، من ۴۵ سال عمر کرده‌ام ولی نمی دانستم چپ و راست یعنی چه. اما حالا با آمدن سرریزا فهمیدم که من چپ هستم. به آنها رای میدهم."

این اظهارات جوهر واقعه را ساده و صمیمانه بیان میکند. مستقل از اینکه سرریزا در آینده قادر به چه تغییراتی در یونان بشود، تا همینجا، به قدرت رسیدن یک حزب چپ رادیکال با شعار نه به ریاضت اقتصادی، معادلات سیاسی و طبقاتی را دستکم در اروپا تغییر داده است.

مردمی که زیر فشار بحران اقتصادی و سیاست‌های ریاضتی بورژوازی روز به روز مقروض تر و بی آینده تر و کلافه تر میشوند، اکنون با قدرت گیری سرریزا لااقل قدری احساس قدرت میکنند.

این حس پیروزی و امید فقط به مردم یونان که بحق شایسته آنند، محدود نیست. سرعت اینترنت در سراسر اروپا منتشر شده است و بسیاری از مفسرین خود بورژوازی اظهار نگرانی میکنند که "حزب ضد ریاضتی" در نقاط دیگر اروپا پر و بال خواهند گرفت. این البته فقط گوشه ای از قطب بندی های سیاسی جدیدی است که احتمالا شکل خواهد گرفت.

طبعا کوتاه بینی است اگر پیروزی چپ در یونان را موضوعی صرفا اروپایی بدانیم. صرف نظر اینکه اروپا در محور تحولات جهان قرار دارد و هر تغییر مهمی در آنجا میتواند بر سرنوشت جهان تاثیر بگذارد، تا همینجا نیز نفس پیروزی سرریزا بطور مستقیم در جاهای دیگر تاثیر گذاشته است و دستکم از سوی فعالین و بدنه جریانات چپ و رادیکال در دنیا با استقبال

روبرو شده است. میتوان انتظار داشت که پیروزی چپ در یونان حتی مشوقی برای تحرک و تعرض چپ و کارگر در سطح جهان باشد. خصوصا اگر توجه داشته باشیم که سرریزا و پیرویش رعدی در آسمان بی ابر نبود. پشت سر این جریان تنها مبارزات قهرمانانه چند ساله اخیر کارگران و مردم یونان قرار ندارد. بلکه این پیروزی چپ در واقع نتیجه پا به میدان گذاردن توده وسیع مردم در سیاست است که بر متن بحران اقتصادی ۲۰۰۷ طی چند سال اخیر جهان شاهد آن بوده است. از ایران و تونس و مصر و سوریه گرفته تا اسرائیل و ترکیه و اسپانیا تا انگلیس و آمریکا و برزیل و ونزوئلا و غیره، از بهار عربی گرفته تا جنبش اشغال و دیگر جنبش های سیاسی و اجتماعی سالهای اخیر. در واقع سرریزا و پیروزی اش ماحصل تغییراتی است که قبلا و بویژه بواسطه سال انقلابی ۲۰۱۱ در توازن قوای طبقاتی و سیاسی در سطح جهان صورت گرفته بود. بر همین متن است که پیروزی چپ رادیکال در یونان به نوبه خود میتواند بر کل موازنه سیاسی و طبقاتی در سطح اروپا و جهان تاثیر بگذارد.

برای اولین بار بعد از دهه ها در جایی از دنیای پیشرفته سرمایه داری چپ رادیکال به یک جریان توده ای تبدیل شده و توانسته قدرت را بدست بگیرد و دولت تشکیل دهد. نکته مهم این است که این همه را اساسا به این خاطر توانسته انجام دهد که شفاف و روشن در برابر سیاست اصلی و جاری بورژوازی جهانی یعنی سیاست های اقتصادی نئولیبرالی و مشخصا ریاضت کشی ایستاده است. چه بخواهیم و چه نخواهیم و مستقل از اینکه

در سر رهبران سرریزا چه میگردد این یک گرهگاه بسیار مهم و مشخص مبارزه طبقاتی جهانی است. نه فقط کارگر و سرمایه دار در یونان که در آلمان و ایران و آمریکا و در جاهای دیگر، و نه فقط این دو طبقه اصلی جوامع حاضر بلکه به تبع آنها تمام بخش های جمعیت به این دعوای اساسی حساسند و سرنوشتشان به آن گره خورده است. گویی اکنون کل جهان سرمایه داری با همه جدال های طبقاتی و تناقضات و گروهبندی های گوناگونش نفس در سینه حبس کرده است تا ببیند نتیجه این جدال معین بر سر ریاضت کشی اقتصادی چه میشود. چرا که تعیین تکلیف آن در یونان میتواند الگو و نمونه به کل جهان بدهد. میتواند مسیر حرکت اقتصاد و سیاست جهان را به این یا آن سو تغییر دهد.

اما نتیجه واقعا چه میشود؟ اگر اتفاقات غیر قابل پیش بینی رخ ندهد، نتیجه طبعا بسیار بستگی به این دارد که سرریزا در قبال ریاضت اقتصادی چه سیاستی را دنبال میکنند. سیاستی کارگری یا سیاستی بورژوایی.

باید توجه کرد که اکنون فقط کارگران و توده های عظیم جامعه که نفعی در استعمار ندارند نیستند که از سیاست های نئولیبرالی و ریاضت اقتصادی به فغان آمده اند. گذشته از بخش هایی از سرمایه داران که تحت فشار رقابت های شدید و حذف از بازار قرار دارند، حتی جناح ها و محافل گردن کلفتی در بورژوازی، کسانی در حد اوپاما رئیس جمهوری آمریکا و یا مدیر کل بانک جهانی و بسیاری از میلیونها و اتاق های فکری سرمایه داری نیز از مخاطره آمیز بودن سیاست های نئولیبرالی

سخن میگویند و در باره آن هشدار میدهند. اینها حتی راه حل های معین و ملموسی هم برای "تعدیل نابرابری" ارائه میدهند. از جمله در کتاب پرفروش توماس پیکتی راه حل های مشخصی نظیر افزایش مالیات بر ثروت و غیره ردیف شده که سابقا یعنی در دوره بعد از بحران کبیر ۱۹۲۹ در آمریکا و بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا بعضا به اجرا درآمده و پایه دولت رفاه و سوسیال دموکراسی بوده است. اما بخش های اصلی و هژمونیک بورژوازی متوجه هستند که اکنون دوره بازگشت به سیاست های دولت رفاهی و سوسیال دموکراتیک بعد از جنگ نیست. چرا که اینرا می فهمند که در آن دوره آن سیاست ها سودآوری سرمایه را بهتر از هر سیاست دیگر تامین میکرد و اکنون چنین نیست. بعد از جنگ بدلیل نابودی بخش اعظم نیروهای مولده ترکیب ارگانیک سرمایه پایین بود و اتفاقا طرح هایی مثل طرح مارشال و غیره بخوبی رشد و طبعا سودآوری سرمایه را تامین میکرد. اما اکنون ترکیب ارگانیک سرمایه بسیار بالاست و شرایطی شبیه آستانه جنگ جهانی اول دارد. در این شرایط منطق سودآوری سرمایه حکم میکنند که سهم کارگران را هرچه کمتر کنند تا نرخ سود سرمایه افت نکند.

اما از سوی دیگر این یک واقعیت است که سیاست های نئولیبرالی نیز که از دهه ۸۰ و با سقوط دولت رفاه سود آوری سرمایه را تامین کرده است دیگر جواب نمی دهد و بقول یکی از همین آقایان به "سرمایه داری علیه سرمایه داری" تبدیل شده است. در واقع موقعیت کنونی بورژوازی یک موقعیت بن بست

در سیاست های اقتصادی است. نه سیاست های نئولیبرالی و نه سیاست های دولت رفاهی هیچکدام جواب نمی دهد. اما این مانع از آن نمی شود که دعوای این دو راه حل چپ و راست بورژوازی (یعنی دولت رفاهی در برابر نئولیبرالی) در سطح سیاسی بالا نگیرد. تردید نباید کرد که پیروزی چپ رادیکال در یونان به این جناح چپ بورژوازی بنوعی پروبال خواهد داد و آثرا تقویت خواهد کرد. سوال این است که سرریزا چقدر خود را شریک این توهم سوسیال دموکراتیک و جناح چپ بورژوازی خواهد کرد و سرنوشت خود را تماما به آن گره خواهد زد؟

با افق حفظ بورژوازی و سرمایه داری کسی نمی تواند با ریاضت کشی اقتصادی دوره ما بطور جدی مقابله کند و در بهترین حالت قربانی همان توهم سوسیال دموکراتیک خواهد شد. در عین حال برای پایان دادن به سیاست ریاضت کشی نمی توان منتظر خلع ید بلاواسطه از سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم، باقی ماند هرچند که باید به آن جهت حرکت کرد و صریح و آشکار شرایط را برای آن فراهم کرد. اینجاست که رکن اصلی سیاست کارگری علیه ریاضت اقتصادی را باید مورد توجه قرار داد و همان چیزی است که سرریزا را تا اینجا آورده است. یعنی در میدان بودن مردم در صحنه سیاست و دخالتگری دائمی. مذاکره و گفتگو در دالانها و مراکز قدرت، چانه زدن و دیپلماسی و غیره البته ناگزیر است اما سرریزا باید بتواند کارگران و مردم را دائما در صحنه نگاه دارد. باید بتواند نه



شبکه همبستگی کارگری یک ضرورت تاریخی

مصاحبه با شهلا دانشفر پیرامون برگزاری اولین جلسه شبکه همبستگی کارگری

انترناسیونال: هفته گذشته اطلاعیه برگزاری اولین جلسه شبکه همبستگی کارگری منتشر شد. لطفاً برای خوانندگانی که در مورد این شبکه نمی‌دانند، معرفی مختصری بگوئید.

شهلا دانشفر: تشکیل این شبکه در کنفرانسی که در ششم سپتامبر گذشته در استکهلم در سوئد تحت عنوان کارگران و انقلاب در خاورمیانه و شمال آفریقا برگزار شده بود، اعلام گردید. در این کنفرانس دوستانی از مصر، تونس و عراق شرکت داشتند. بوجود آوردن یک همبستگی کارگری با طریقی سازمانیافته و نقشه مند در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا یک موضوع کار این کنفرانس بود. ما در آن کنفرانس با اشاره به تحولات جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا بدنبال انقلابات مصر و تونس و ضربه خوردن جریانات ارتجاعی اسلامی چون اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس، که خود ضربه ای جدی بر پیکر اسلامی سیاسی است، و نیز با اشاره بر جلو آمدن جریانات ارتجاعی ای چون داعش در عراق و سوریه که نشانگر اوج انحطاط سرمایه داری امروز است، بر ضرورت فوری و سیاسی تشکیل یک همبستگی مبارزاتی کارگری در این منطقه تاکید گذاشتیم. در جریان این مباحثات از اینکه این شرایط پیوندهای سیاسی عمیقتری بین مبارزات مردم ایران و مصر و تونس و عراق و کشورهای کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد کرده است، صحبت کردیم. و نتیجه این مباحث اعلام شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا بود.

همانجا پلاتفرم این شبکه نیز

به تصویب رسید. در این سند انعکاس اعتراضات کارگری در سطح خاورمیانه و رساندن صدای اعتراض آنان به گوش همه جهان، دفاع از کارگران زندانی و تلاش برای آزادی آنان بعنوان یک وجه مهم همبستگی کارگری در این منطقه، دفاع فعالانه از حق بی قید و شرط تشکل، تجمع، اعتصاب و آزادی بیان و عقیده به عنوان محورهای مهم کار این شبکه مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین ضمن تاکید بر همسرنوشتی کارگران در سراسر جهان، حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگری در هر گوشه جهان محور مهم دیگر کار این شبکه تعریف شد.

در راستای همین تصمیم در آن کنفرانس طی پیامی در همبستگی با مردم عراق انزجار خود را از جنایات جریان تروریستی داعش در عراق ابراز کرده و جنایات آنها را محکوم کردیم. در بخشی از پیام ما چنین آمده بود:

"باید جهانیان بدانند که راه برون رفت از شرایط فاجعه بار کنونی نه مانورهای دیپلماتیک و سیاسی و نظامی آمریکا و دولتهای منطقه نظیر عربستان و جمهوری اسلامی است و نه دست بالا پیدا کردن این یا آن فرقه مذهبی و عشیرتی و سر هم بندی کردن دولت دیگری از سران این دستجات است. همه این دولتها و دار و دسته ها به کمپ ارتجاع و توحش و در مقابل مردم خواستههای انسانی آنان قرار دارند. راه حل در دست توده مردم عراق و پشتیبانی مردم آزادیخواه جهان از کارگران و مردم ستمدیده عراق است. راه حل قطع دخالت تمام این دولت های ارتجاعی در اوضاع عراق، قطع فوری جنگ و پایان دادن به حاکمیت جریانات قومی - اسلامی در عراق است. و

همبستگی با کارگران و مردم عراق یک گام مهم همبستگی جهانی کارگری و دامن زدن به یک جنبش همبستگی کارگری در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا در اوضاع سیاسی امروز جهان و خاورمیانه است."

بنا بر پلاتفرم مصوب کنفرانس ۶ سپتامبر، شبکه همبستگی کارگری قرار است کنفرانس های سالانه و جلسات روتین ماهانه خود را داشته باشد. بر همین اساس اولین جلسه ماهانه آن در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۵ برگزار گردید. در این نشست علاوه بر دوستانی از مصر و تونس و عراق، از کشور مراکش و ترکیه نیز شرکت داشتند.

انترناسیونال: از آغاز شبکه همبستگی کارگری یعنی از سپتامبر ۲۰۱۴ تا امروز دامنه این شبکه گسترش تا چه حد یافته و چه فعالیتهایی از طرف این شبکه صورت گرفته است؟

شهلا دانشفر: بعد از تشکیل شبکه همبستگی کارگری، یک تلاش ما گسترش دامنه ارتباط این شبکه در خاورمیانه و شمال آفریقا بود و حاتم لاوینی که خود از اعضای هیات اجرایی بخش جوانان یو جی تی تی (UGTT)، بزرگترین اتحادیه کارگری تونس است، مسئولیت بخش ارتباطات این شبکه را بر عهده دارد. در این فاصله یکی از فعالین کارگری اتحادیه سراسری کارگران در ترکیه و دوست دیگری از کشور مصر تماس گرفته و خواستار فعالیت با این شبکه شده است. همچنین دوستانی از الجزایر و مراکش با ما تماس گرفته اند و با این شبکه فعالیت میکنند. این دوستان از فعالین

رادیکال و چپ و از اکتیویست ها و رهبران کارگری در کشور خود هستند و نقش مهمی در سازمانهای کارگری و کارزارهای مبارزاتی کارگران دارند. آنها همگی از اینکه چنین نهادی تشکیل شده است که اکتیویست های کارگری در منطقه را دور هم جمع میکند، ابراز خوشحالی کرده و آنرا یک اقدام تاریخی میخوانند. امیدوارم تا کنفرانس سالانه این شبکه که قرار است در سپتامبر آتی برگزار شود، بتوانیم ارتباط گسترده تری در کشورهای منطقه برقرار کنیم.

یک اقدام مهم دیگری که در دستور کار ما قرار داشت، برگزاری اولین جلسه این شبکه و انجام تقسیم کار و برنامه ریزی کارهای آینده آن بود. که بدلیل درگیری اعضای این شبکه در انتخابات تونس و کمپین کارگری "پیش بسوی قانونی عادلانه" در مصر و غیره، تشکیل اولین جلسه شبکه همبستگی کارگری با تاخیر و در ۱۲ ژانویه تشکیل شد. در این جلسه گزارشی از اوضاع سیاسی و وضعیت کارگران در هر کدام از این کشور ها داده شد و در خاتمه بیانیه ای بر سر اوضاع جدید خاورمیانه و جهت گیری های سیاسی شبکه همبستگی کارگری به تصویب رسید. همچنین در این جلسه در مورد کارگران زندانی در ایران و مشخصاً بهنام ابراهیم زاده از رهبران کارگری صحبت و کمپین "بهنام را آزاد کنید"، معرفی شد. شبکه همبستگی کارگری ضمن اعلام حمایت خود از این کمپین و از بهنام ابراهیم زاده بر حمایت از کارگران زندانی و مبارزات کارگران و مردم در ایران تاکید کرد. در این نشست بر انتشار نشریه خبری این شبکه تاکید شد و تقسیم کار لازم صورت گرفت که امیدوارم اولین

شماره نشریه خبری ما در نیمه فوریه منتشر شود.

انترناسیونال: پس از برگزاری اولین نشست شبکه، بیانیه ای در مورد "اوضاع جدید خاورمیانه و شمال آفریقا و موقعیت جنبش کارگری"، منتشر شد. شما اهمیت این بیانیه را در چه می بینید؟

شهلا دانشفر: این بیانیه قبل از هر چیز یک پلاتفرم سیاسی اولیه برای کار شبکه همبستگی کارگری است. بندهای آن با نگاهی اجمالی به اوضاع جدید خاورمیانه و موقعیت جنبش کارگری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا فوریت های عملی و مبارزاتی این شبکه را تا حدودی روشن میکند. نکته مورد تاکید این قطعنامه اینست که انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا از مهمترین تحولات تاریخ معاصرند که چهره سیاسی منطقه و دنیا را متحول کرده اند. از جمله این انقلابات و مشخصاً مصر و تونس اگر چه نتوانسته اند به پیروزی برسند و خواستههای اساسی مردم را متحقق کنند، اما توانسته اند دیکتاتورهای را سرنگون کنند و ضربه کارسازی به جنبش بورژوازی و فوق ارتجاعی اسلام سیاسی وارد کنند و نقش مهمی در تضعیف اسلامی سیاسی در منطقه داشته باشند. همچنین توانسته اند انقلاب را به عنوان یک آلترناتیو کارگری و مردمی به جلوی صحنه بکشند و اعتماد به قدرت اتحاد مردم را صد چندان نموده و آگاهی مردم از خواستههای اساسی شان را بیشتر و بیشتر کنند. ضمن اینکه در نتیجه این انقلابات پیوندهای فراکشوری مردم افزایش یافته و جنب و

شبکه همبستگی کارگری یک ضرورت تاریخی

جوش گسترده ای در جوامع مختلف ایجاد شده است. نکته مورد اشاره دیگر ما در این بیانیه اینست که سرنگونی دیکتاتورهای مورد حمایت دول غرب و آمریکا در انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا و شکست استراتژی هژمونی طلبانه آمریکا در عراق موجب تضعیف موقعیت آمریکا و بوجود آمدن یک نوع "فضای باز" برای دولتهای متبوع آمریکا و رقبایشان شده است. و در متن این شرایط دولتهای ارتجاعی منطقه و مشخصا ترکیه، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران و حتی قطر مدعیان تازه قدرت در منطقه شده اند. این کشاکش ها حاصلش سر بلند کردن فاشیسم اسلامی و جانپان داعش در سوریه و سپس در عراق و فجاج و جنایاتشان در سنگال و در کوبانی بوده است.

با نگاهی به این شرایط متحول و جدید در خاورمیانه است که یلاتفرم مورد اشاره شما وظایف سیاسی فوری ای را در دستور کار شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا قرار داده است. از جمله به نظر ما شبکه همبستگی کارگری میتواند امکانی باشد برای جلب همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا از مبارزات کارگران و مردم ایران، در برابر حکومتی که سرنگونی آن خود یک اتفاق سیاسی در کل منطقه و جهان خواهد بود. همچنین با توجه به نقش ترکیه به عنوان یکی از دولتهای ارتجاعی در خاورمیانه و حامیان داعش، این شبکه میتواند نقش مهمی در جلب حمایت از مبارزات کارگران و مردم این کشور علیه سیاستهای سرکوبگرانه دولت ترکیه داشته باشد. بعلاوه موقعیت ویژه دو کشور مصر و تونس است. در مصر کشوری که با قدرت

التحریرش نقطه امید برای منطقه و حتی جهانی شد، بدنبال انقلاب و به زیر کشیدن مبارک دلیل آماده نبودن مردم و نبودن حزب سیاسی ای که خواستههای مردم را در عرصه سیاسی نمایندگی کند، حکومت نظامیان روی کار آمده و بورژوازی فرصتی برای تجدید قوا و سازماندهی مجدد قدرت شده است. و امروز دولت حاکم در آنجا تلاش دارد با خفقان و سرکوب اوضاع را به وضع سابق باز گرداند و دستاوردهای انقلاب مردم را بازپس گیرد. در برابر آنها کارگران و مردم با کارزارهای مبارزاتی شان دارند صف آرای می کنند. بنابراین یک وظیفه فوری شبکه همبستگی کارگری انعکاس صدای اعتراضات کارگران و مردم این کشور است. در تونس وضعیت قدری متفاوت است. در آنجا مردم در آخرین انتخابات توانستند جریانات اسلامی را عقب بزنند. و این فرصتی برای جلو آمدن چپ و جنبش اعتراضی کارگری در این کشور ایجاد کرده است. به این اعتبار امروز تونس به یک نقطه امید در خاورمیانه تبدیل شده است و انعکاس اخبار اعتراضی کارگران و مردم در این کشور در سطح منطقه و خاورمیانه و حمایت همه جانبه از این مبارزات یک امر مهم شبکه همبستگی کارگری است. بعلاوه بیانیه اوضاع جدید خاورمیانه بر ضرورت حمایت از مبارزات مردم عراق در برابر جانپان داعش و مبارزات کارگران در کشورهای دیگر این منطقه تاکید دارد.

انترناسیونال، از بیانیه منتشر شده در اولین نشست شبکه، چه استنتاجات عملی میشود گرفت و چه اقداماتی در دست اقدام دارید؟

شهلا دانشفر، در سؤال

قبل به جنبه های مهمی از سؤال شما پاسخ دادم. منتهی مهم اینست که چقدر بتوانیم آنها را عملی کنیم. یکی از ابزار های ما برای این کار نشریه ماهانه ما خواهد بود که در آن سعی میکنیم با انعکاس اخبار اعتراضی کارگران در این کشورهای صدای کارگران در کل این منطقه باشیم و توجه ها را به آن جلب کنیم. برنامه دیگر ما اینست که با هر کدام از این کشورها با توجه به شرایط خاص آن کشور نشست داشته باشیم و بتوانیم منشور روشنی از خواستههای کارگری را تدارک بینیم. در جریان این کار انتقال تجربه کرده و به این شکل به پیشبرد کارزارهای مبارزاتی یکدیگر کمک کنیم. بطور مثال همین الان در کشور مصر کارزاری تحت عنوان "پیش بسوی یک قانون عادلانه کار" در جریان است. و ما میتوانیم در شبکه همبستگی کارگری نقش مهمی در انتقال تجربه و مضمون این کارزار داشته باشیم. خلاصه کلام اینکه برنامه های زیادی در دستور داریم. ولی متأسفانه هنوز نیروی کافی برای پیشبرد آن نداریم و امیدوارم با پیشروی بیشتر این نیرو را بتوانیم جذب کنیم و قدرتمند تر جلو رویم. از جمله ما احتیاج مبرمی به کسانی داریم که در امر ترجمه مطالب به انگلیسی و انتشار بیانیه ها و گزارشات مبارزاتی این شبکه با ما همکاری کند و از این نظر در مضیقه هستیم.

انترناسیونال، از تشکیل شبکه همبستگی کارگری در ایران و در سایر کشورها چگونه استقبال شده و و کارگران بویژه در ایران درباره آن چه می گویند؟

شهلا دانشفر، زمان کوتاهی از تشکیل این شبکه میگذرد. اما تا همین جا

انعکاس خوبی در میان فعالین کارگری خصوصا در کشورهای مصر و تونس و مراکش داشته است. در مصر و تونس که خود درگیر انقلابی بوده اند، وجود چنین همبستگی ای را یک ضرورت تاریخی میدانند. از جمله یکی از فعالین کارگری از تونس میگفت که تشکیل این شبکه به ما کمک کرد که با همسرانشان خود در کشورهایی چون تونس، ایران، مراکش، الجزایر، ترکیه وصل شویم. از تجربیاتمان بگوئیم و از یکدیگر بیاموزیم. مبارزات یکدیگر را حمایت و تقویت کنیم. از جمله این دوستان به کارزارهای مبارزاتی ما برای آزادی کارگران زندانی بسیار حساس هستند و آنرا یک تجربه درخشان و آموزنده

ای برای خود نام برده و حمایت گرم و صمیمانه خود را نیز از کارگران در بند در ایران و از جمله بهنام ابراهیم زاده اعلام داشتند. به نظر من این شبکه هنوز رو به ایران در حد لازم معرفی نشده است. انجام چنین مصاحبه هایی و توضیح برنامه های این شبکه گام مهمی در معرفی این شبکه و جلب توجه فعالین و رهبران کارگری به این اقدام مهم تاریخی است. اما برخی از فعالین کارگری که موضوع را دنبال کرده اند، با ما تماس گرفته و خوشحالی خود را از این اقدام اعلام داشته اند و این بسیار امید بخش است.*



از صفحه ۲

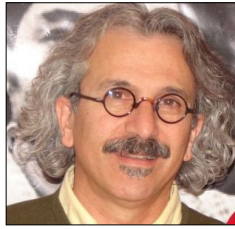
پیروزی چپ در یونان: آغاز بهار سوسیالیستی؟

کارگری با جهت گیری سوسیالیستی و انسانی. این نوع جدید اقتصاد احتیاج به نوع جدیدی از سیاست دارد. سیاستی که رکن اصلی اش شفافیت، علنیت، گزارش صادقانه همه چیز و در عین حال دخالتگری مستقیم و هر روزه کارگران و توده های مردم بر سر تعیین تکلیف هر مساله مهم جامعه است. اگر سرباز حتی گوشه ای از اینرا بتواند به اجرا درآورد تمام مردم جهان از آن حمایت خواهند کرد. آنگاه این میتواند سرآغاز یک بهار انسانی و سوسیالیستی در جهان باشد. ۲۹ ژانویه ۲۰۱۵

فقط در سطح یونان که در سطح اروپا و جهان توده های وسیع را در حمایت از سیاست های اقتصادی خود که رفاه و حرمت انسانها را مد نظر دارد بسیج کند. در واقع مساله از لحاظ اقتصادی اصلا پیچیده نیست. مساله اراده سیاسی برای تامین رفاه و آسایش مردم به زیان سود سرمایه داری است. باید به مردم جهان نشان داد که برای تامین مدرسه و بیمارستان و رفاه و شادی و آرامش باید از سود سرمایه زد و حتی مطابق یک برنامه روشن قدم به قدم زندگی مردم را از دست سرمایه و بازار بیرون آورد. این طبعاً نوع جدیدی از اقتصاد است. اقتصادی

زمین لرزه سیاسی در یونان

علی جوادی



در هفته گذشته رویداد سیاسی یونان در صدر تحولات جهانی قرار داشت. یونان شاهد پیروزی چشمگیر حزب چپ گرای سیریزا، حزب ضد ریاضت اقتصادی، بود. نشریه "اکنونیست" در شماره ویژه خود از این رویداد بعنوان يك "زمین لرزه سیاسی" نام برد. سؤال کلیدی مطرح این است که زمینه های سیاسی پیروزی این حزب کدام است؟

فاکتور اصلی و غیر قابل انکاری که منتج به پیروزی این حزب چپ بورژوازی در یونان شد، "نه" مردم به وضعیت سیاسی موجود در یونان است. این رویداد نتیجه "نه" مردم به سیاست ریاضت کشی اقتصادی، "نه" مردم به سیاست تحمیل فقر و فلاکت بر دوش جامعه، کارگران و توده مردم زحمتکش و جوانان بود. پیروزی این حزب محصول "نه" مردم به سیاست راست بورژوازی که تمام تلاشش تحمیل بار بحران اقتصاد سرمایه داری یونان بر جامعه بود، است. این پیروزی محصول نخواستن مردم کارکن است. محصول نه به وضعیت اقتصادی و سیاسی حاضر، نه به حذف خدمات اجتماعی، نه به بی خانمان کردن توده مردم مقروض به بانکها که قادر به پراخت وامهای سنگین بانکها و بنگاههای بزرگ مالی نیستند، است. نه به قطع آب و برق و خدمات اجتماعی و کشتار مردم مردم فقیر و محروم که حتی قادر به پرداخت قبوض این خدمات نیستند. نه به افزایش سن بازنشستگی، نه به بیکاری گسترده کارگران و جوانان و... و کلا نه به راست بورژوازی و سیاستهای ارتجاعی آن است. این "نه" عظیم مردم بود که به حزب چپگرای بورژوازی سیریزا امکان داد که با پلاتفرم سیاست مقابله با سیاست "ریاضت کشی

اقتصادی" به جلوی صحنه سیاست رانده شده و به حزب اصلی تحولات جامعه تبدیل شود.

این تحولات يك شکست برای راه حل راست بورژوازی در مقابله با بحران اقتصادی ادواری سرمایه است. يك شکست مهم برای سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی که راه حل خروج از بحران اقتصادی را با تحمیل فقر و فلاکت اقتصادی بر جامعه دنبال میکنند. این شکستی مهم برای سیاستهای راست اروپا است. بی دلیل نیست که نشریه محافظه کار و دست راستی "اکنونیست" از این تحول به عنوان يك "زمین لرزه سیاسی" نام میبرد. بو کشیده اند، گوششان را به زمین چسبانده اند، ارتعاش زمین لرزه را در عرصه سیاست حس کرده اند. این نشریه به عنوان يك مبلغ صاحب نفوذ طبقات حاکم در اروپا دارای شم سیاسی بالایی است. درست میگویند تحولات یونان تأثیرات بسزایی در زمین سیاسی در اروپا ایجاد خواهد کرد. واقعا يك "زمین لرزه سیاسی" است. کارگر و بشریت متمنن به استقبال این واقعه میروند. در مقابل بورژوازی حاکم برای خنثی و ناکار کردن آن تلاش میکنند. این تحرك مردم در يك مصادف سیاسی جدی و تعیین کننده است که توانسته است راست بورژوازی را به هراس و تکاپو و سرگیجه بیندازد. این تحولات تا هم اکنون توانسته است تأثیرات بسزایی در فضای سیاسی اروپا بجا بگذارد. چشمهای بسیاری به طرف تحولات یونان خیره شده است. حزب سیریزا پیروزی خودش را مدیون در دست گرفتن پلاتفرم اقتصادی ضد ریاضت اقتصادی است که کارگر و جوان در یونان برافراشته بودند، است. این حزب

در پرتو این اعتراض گسترده به جلوی صحنه رانده شد.

مردم در یونان بطور عملی راه دیگری را در مقابله با بحران اقتصادی سرمایه نشان دادند. نشان دادند که میتوان و باید بار بحران را بر دوش مسببین بحران یعنی نظام سرمایه داری و طبقه حاکم تحمیل کرد. ما در این پیشروی سهمیم هستیم. این رویدادها گوشه ای از تلاش تاریخی توده مردم کارکن برای ایجاد بهبود و تغییرات مادی در زندگی خود است.

اما شاید این سؤال در مقابل ما قرار داده شود که در جوامع دمکراسی غربی همواره حکومت میان بخشهای مختلف بورژوازی حاکم دست به دست میشود و زمانیکه جامعه دچار بحرانهای اقتصادی و سیاسی میشود، حزب حاکم بعضا از قدرت به کناری زده میشود و حزب دیگر بورژوازی حاکم میشود. این رویداد چه تفاوتی با این دست به دست شدن کلاسیت قدرت میان احزاب بورژوازی حاکم دارد؟

در پاسخ به این سؤال باید تاکید کرد که حزب سیریزا حزبی جدید است، متعلق به بستر اصلی بورژوازی در جامعه نیست. یکی از احزاب همیشگی طبقه حاکم نیست که نوبتی و ادواری به قدرت میرسند. این حزبی متعهد به سیاستهای اصلی راست بورژوازی، متعهد به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت آلمان، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیست که سایر نیروهای متفاوت بورژوازی به آن پایبندند. تا آنجا که میتوان مشاهده کرد باید گفت که با پرچم "نجات سرمایه" نیز به میدان نیامده است. اما در عین حال حزبی بورژوازی است. حزبی برای نابودی بنیادهای بورژوازی

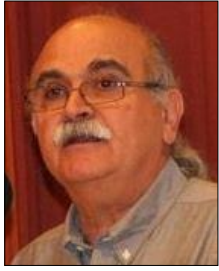
و مناسبات کثیف سرمایه داری و کار مزدی نیست. حزب اصلاحات اجتماعی است. متعلق به جناح چپ بورژوازی است. و حزبی درعین حال سیال است. این حزب در مقابله با احزاب راست و بستر رسمی طبقه حاکمه در یونان و اروپا به قدرت رسیده است. قدرت خود را مدیون چنین تلاش و تحولی در جامعه است. نتیجتا حزبی در خارج از چهارچوبهای بستر اصلی بورژوازی حاکم است. خلاف میل و رغبت این جریانات به قدرت نزدیک شده است. به همین دلیل است که از پیروزی این حزب به عنوان يك "زمین لرزه سیاسی"، يك اقدام ناخوشایند و ناگهانی نام میبرند. اما این واقعه يك رعد و برق در آسمان بی ابر نیست، بر بستر اعتراض جامعه شکل گرفته است. و این وضعیت قبل از آنکه نشاندهنده موقعیت "رادیکال" و "افراطی" این جریان باشد، نشاندهنده وضعیت فلاکتبار بورژوازی حاکم است که خالی از هر دستورالعملی برای ایجاد تغییراتی به نفع اکثریت مردم است.

اینکه سرنوشت این حزب در حاکمیت چه خواهد بود؟ چقدر قادر خواهد شد به اهداف و پلاتفرمی که در دست گرفته است پایبند باشد، به چه میزان خواهد توانست به خواست مردم در مقابله با سیاست ریاضت کشی اقتصادی پاسخگو باشد، مساله بازی است. سرنوشت این معضل از پیش رقم نخورده است. فاکتورهای متعددی علاوه بر خواست و یا تمایل خود این حزب در سرنوشت این جدال سهمینند. این فاکتورها کدامند؟

حزب سیریزا بمثابه يك حزب چپ بورژوازی، يك حزب مصلح اجتماعی سرنوشتش در پس این تحولات اجتماعی تماما در حیطه عملکرد و یا قدرت خود این حزب به تنهایی نیست. سرنوشت این حزب در حاکمیت در عین به حال موقعیت و عملکرد اعتراضی کارگر و جوان و توده مردم زحمتکش وابسته است. اگر مردم معترض از سیاست اعتراضی خود علییه

وضع موجود دست بکشند، آینده خود را به تلاش این حزب در حاکمیت محدود نکنند، کنار بکشند، تمکین نکنند، امید خود را به قدرت مانور این حزب در حاکمیت محدود کنند، در آن صورت سرنوشت نه چندان دلچسپی نصیب مردم خواهد شد. این حزب را سایر احزاب اصلی بورژوازی و نیروی فشار و مانور آنها "خنثی" خواهد کرد و آنها هم "عاقل" خواهند شد، و از سیاستهای پایه ای جامعه دوری خواهند کرد. اما نه، اگر جامعه کماکان به قدرت خود متکی باشد، اگر پرچم اعتراضی نیروی اصلی سیاست در جامعه باشد، شکاف بین این احزاب بورژوازی باز نگهداشته خواهد شد و حزبی مانند سیریزا ناچار خواهد شد به خواست توده مردم کارکن تمیکن کند. چنانچه مردم صحنه گردان سیاست در جامعه باشند، نیروهای پارلمانی هم ناچار خواهند شد به که ساز این توده معترض به رقص در آیند. راه سازش راست و چپ بورژوازی مسدود و امکان سازش کمتر خواهد شد و در آن صورت امکان تحقق رفرمها و تغییرات محسوسی در جامعه بیشتر خواهد شد.

اما فاکتور اصلی نه قدرت این حزب بلکه این است که به چه میزان طبقه کارگر با پرچم مستقل سوسیالیستی خود در میدان حضور پیدا خواهد کرد و به چه میزان خود قدرت سیاسی را از آن خود خواهد کرد و پروسه خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی را در دست خواهد گرفت. مساله این است که برای نابودی سیاست ریاضت اقتصادی باید تعرض همه جانبه ای به نفس مناسبات بورژوازی و سیاستهایش را سازمان داد. نقشی که در حال حاضر خارج از توان و یا اراده حزب سیریزا است. در ادامه باید به نقش و تاثیر این تحولات در سایر کشورهای اروپایی که دچار معضلات مشابهی هستند، اشاره کرد. انعکاس این تغییر و تحول در یونان در طبقه حاکمه اروپا و



اولین پیش لریزه ها در نظم به بن بست رسیده سرمایه!

حمید تقوایی

سیاسی شدیدی در اروپا در پی داشته باشد. اکنون همانطور که در یادداشت دیگری در این مورد اشاره کردم، یونان بر سر دوراهی "منافع سرمایه" و یا "رفاه عمومی" مردم قرار گرفته است. مردم راه خود را انتخاب کرده اند. دولت تازه نیز تنها در صورتی قادر خواهد بود در جهت تامین منافع خود و نه درصدها گام بردارد که به قدرت خیابان و نیروی متشکل مردم، آنچه نقطه قدرت جنبش اشغال بود، متکی شود. اما یونان به هر سمت برود فصل تازه ای در عرض اندام احزاب و نیروهای چپ و کمونیست در اروپا و در کل جهان آغاز شده است. این هنوز اولین پیش لریزه ها در نظم به بن بست رسیده سرمایه است.

حمید تقوایی ۲۷ ژانویه ۱۵

جنگ سرد) متمایز میکنند. انتخابات یونان خود نقطه عطفی در این دوره است. تحولات قبلی گرچه دیکتاتوریهایی پراسابقه ای را در خاومیان و در شمال آفریقا سرنگون کرد و یا در غرب دولت مافوق مردم و ساختمان حکومتی یک درصدها را بجالش کشید اما نتوانست چپ متحزب را به قدرت سیاسی براند. در این تحولات گرچه نیروی چپ اجتماعی نقش تعیین کننده ای داشت اما حزیت پیدا نکرد و در عرصه تعیین تکلیف قدرت سیاسی حضور نیافت. در انتخابات یونان یک حزب سیاسی و رادیکال چپ با پرچم مخالفت با ریاضت کشی اقتصادی بقدرت رسیده است و این نقطه تازه ای در پیشروی چپ است که بقول منابع خود بورژوازی میتواند زمین لریزه های

بحران مزمز سرمایه و ناکارآمدی سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی، نظرات و پیشبینی های مارکس، شکاف فزاینده بین ثروت نجومی یک درصدها و فقر نود و نه درصدها، بحران دموکراسی و "خطر" شورش گرسنگان و غیره هستیم. از توماس پیکتی که کتابش در مورد تعمیق و گسترش ناگزیر نابرابری در نظم سرمایه داری پرفروشترین کتاب آکادمیک اقتصادی سال میشود تا آمارهای تکناندهنده و هشدارهای موسسه آکسفام و کنفرانس سالانه داووس و کارشناسان بانک جهانی از شرایط انفجار آمیز دنیای امروز، همه نشانه های سردرگمی و بی افقی بورژوازی جهانی است. این شرایط دهه دوم قرن حاضر را تماما از دو دهه قبل (دوره پسا

موسوم به بهار عرب و جنبش نود و نه درصدها در غرب ادامه یافت. آخرین برآمد این موج، مارش عظیم پاریس در پاسخ به جنایت اسلامیهایی بود که فصل تازه ای را در مبارزه با اسلام سیاسی آغاز کرد. مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی و پیرویشان در برابر داعش نیز پیشرویی دیگر در عرصه مبارزه علیه نیروهای اسلامی است. بازتاب بحران و بی افقی سرمایه داری عصر ما در صفوف بورژوازی کاملاً قابل مشاهده است. از آغاز دهه جاری در کمپ بورژوازی جهانی و مشخصاً دولتها و رسانه ها و مراکز اقتصادی و مراجع فکری و آکادمیک بورژوازی نیز شاهد بحث و جدل و گفتمان در مورد

پیروزی انتخاباتی سیریزا بازگشت چپ متحزب و دخالتگر و مربوط به مسائل کلیدی سرمایه داری عصر ما به عرصه سیاست است. سیریزا در دل مبارزات مستمر مردم یونان علیه وضعیت بحرانزده آن کشور و با بلند کردن پرچم نه به ریاضت اقتصادی محبوبیت توده ای بدست آورد، به محور سیاست در یونان رانده شد و در انتخابات به پیروزی چشمگیری دست یافت. اما هم زمینه های عروج و قدرتگیری این حزب و هم نتایج و تبعاتش از یونان فراتر میرود. تحول یونان خود محصول شرایطی است که از مقطع ریزش وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ تا امروز مدام دنیا را به چپ سوق داده است. خیزش انقلابی سال ۱۳۸۸ در ایران اولین جرقه این شرایط جدید بود که با انقلابات

از صفحه ۵

زمین لریزه سیاسی در یونان

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

کشورهای بحران زده روشن است. زمین زیر پایشان به حرکت در آمده است. دچار "زمین لریزه سیاسی" شده است. دچار یک بحران سیاسی خواهند شد. اما تا آنجائیکه به توده کارگر و مردم زحمتکش برمیگردد، راه دیگری در مقابل این جوامع قرار داده شده است. نشان داده شده است که کارگران و جوانان میتوانند تسلیم وضع موجود نشوند. میتوانند شاهد این نباشند که زندگی شان روزمره به تباهی و سیاهی کشیده شود. میتوانند قربانیان کت بسته سیاستهای ریاضت اقتصادی بورژوازی نباشند. یونان نشان داد که این توده مردم میتوانند با

سیاست و نبرد طبقاتی است.*

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

پیروزی مردم کوبانی،

دستاورد مهم جنگ مردم با اسلام سیاسی!

شکست داعش در کوبانی ضربه کاری دیگری بر جنبش اسلام سیاسی بود. چنین به نظر می‌رسید که داعش بعد از پیشرویه‌های سریعش در عراق و تصرف موصل و سنگال شهر کوچک کوبانی را نیز به راحتی تسخیر خواهد کرد اما مقاومت جانانه مردم کوبانی واقعیت دیگری را در برابر چشم جهانیان قرار داد. این واقعیت که راه مقابله با داعش تسلیح مردم و بمیدان آمدن مردم مسلح است. جنگ کوبانی جنگ بین دارو دسته های مختلف اسلامی و یا جنگ نیروهای ناتو با اسلاميون نبود. جنگ مردم پیاخته يك شهر با يك نیروی وحشی مهاجم بود و به همین دلیل توجه جهانیان و حمایت مردم آزادیخواه جهان را بخود جلب کرد. بی بی سی شکست داعش را يك شکست نظامی و ایدئولوژیک

میانماد. این اعتراف به حقیقتی است که با خط اسلامپناهان خود بی بی سی در تناقض است. کوبانی مظهر مبارزه زنان مسلح با يك نیروی ضد زن و مقابله مردم منتسب به مذاهب و اقوام مختلف با نیروی اسلامی ای است که خون حتی مسلمانان غیرسلفی را حلال میدانند. از این نقطه نظر شکست داعش در کوبانی را باید همتراز شکستش در خیابانهای پاریس بحساب آورد. جنبش میلیونی "من چارلی هستم" نیز همانند مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی نشان داد که عقب راندن و به شکست کشاندن شکست اسلام سیاسی تنها با بمیدان آمدن توده مردم میسر و ممکن است. پیروزی مردم کوبانی را باید بعنوان نقطه درخشانی در جنبش آزادیخواهانه مردم علیه اسلام سیاسی به ثبت رساند.*

رکوردشکنی دزدان و موعظه دوری از مال اندوزی!

باندهای چپاولگر حکومتی است که اولاً از افزایش نام پادوها و عوامل رده های پائین فراتر نروند و ثانیاً افشاگریها را به دولتتهای قبلی محدود کنند. خبرگزاری ایسنا مینویسد "از زمانی که دولت یازدهم فعالیت خود را آغاز کرده پرونده های فساد بسیاری که در دولت قبل اتفاق افتاده، افشا شده است که هر يك بزرگتر و جنجالی تر از قبلی است." و باید اضافه کرد موارد فساد و دزدی بسیاری نیز در زمان دولت جاری در حال اتفاق افتادن است که بعید نیست هر يك بزرگتر و جنجالی تر از موارد افشا شده باشد. مگر اینکه البته مقامات حکومتی توصیه اخیر آیت الله ریشهری متولی "استان حضرت عبدالعظیم حسنی"، که خود يك دم و دستگاہ عریض طویل دزدیهای شرعی است، را بکار بستند و از مال اندوزی دوری کنند!*

"زمانی سوءاستفاده سه هزار میلیارد تومانی گروه آریا بزرگترین پرونده فساد اقتصادی شناخته میشود، اما با افشای پرونده تازه ۹ هزار میلیارد تومانی بابک زنجانی از سوی بیژن زنگنه وزیر نفت دولت یازدهم، پرونده گروه آریا مقام نخست خود را از دست داد." ایسنا
"دوری از مال اندوزی وظیفه روحانیت است" ریشهری
دزدان حکومتی رکورد یکدیگر را میشکستند و از همدیگر سبقت میگیرند. فعلا و تا روشن شدن پرونده بعدی بابک زنجانی با دزدی ۹ هزار میلیارد تومان در صدر جدول قرار دارد. اما این در صورتی است که دزدیهای گذشته و حال مقامات دولت فعلی را بحساب نیاوریم. فعلا افشاگریها همه به مقامات و دولتتهای قبلی بر میگردد. این يك قانون نانوشته در میان

داستان کهنه "رئیس جمهور بی تقصیرست!"

"من موضوع حقوق بشر را در تهران مطرح کردم. ولی باید گفت که آقای روحانی مسئول قوه قضائیه نیست. قدرت‌هایی در کشور وجود دارند که مانع اقدامات روحانی می‌شوند." کلادویا روت نایب‌رئیس مجلس آلمان در مصاحبه با دویچه وله ایجاد این توهم که جنایاتی که در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد کار قوه قضائیه و یا کلا جناح مخالف دولت و رئیس جمهور است به قدمت طول عمر جمهوری اسلامی است. قتل‌های زنجیره‌ای در دوره خاتمی را هم به همین‌طور توجیه می‌کردند. این داستان از زمان بنی صدر شروع شد و تا امروز با توجیه اعدام‌های بی‌سابقه در دولت تدبیر و امید ادامه یافته است. این يك ارزش مصرف و کاربرد جناح

اصلاح طلب برای کل نظام جمهوری اسلامی و دولت‌هایی نظیر دولت آلمان است که می‌خواهند روابط دیپلماتیک و اقتصادیشان با جمهوری اسلامی را حفظ کنند.
خانم کلادویا روت در همین مصاحبه می‌گوید "ما متوجه شدیم که نیروهای امنیتی همه جا حضور دارند ترس و کنترل شدیدی حاکم بود." و یا در رابطه با خشک‌یدن دریاچه ارومیه اینطور نظر میدهد که "من دریاچه ای را دیدم که ۸۸ درصد آن نابود شده، ... مقامات رسمی تلاش می‌کنند که این فاجعه را به تغییرات اقلیمی نسبت دهند، ولی این يك جنایت واقعی است که انسان در طبیعت مرتکب شده است. در وسط این دریاچه پلی را ساختند که مثل دیواری آب

دریاچه را تقسیم کرده و مانع جریان طبیعی آب شده است." خانم روت توضیح نمیدهد که آیا این مسائل را نیز کار قوه قضائیه میدانند و یا خیر ولی نظر ایشان هر چه باشد واقعیت اینست که کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و باندهای مختلفش از اعدامها و از سرکوب و کنترل امنیتی مردم نفع میبرد، مسئول فاجعه نابودی محیط زیست است و با اتکا به زن ستیزی و قصاص و گستردن چادر سیاه اسلام و قوانین اسلامی بر کل جامعه حکومت منفور خود را سرپا نگاهداشته است. خط و سیاست و نام بی مسمای "اصلاح طلب" يك جزء لاینفک این ماشین سرکوب و اعدام و اختناق است. این واقعیت را امثال خانم روت خوب میدانند منتهی منافع دولت متبوعه شان

بوکوحرام:

جمهوری اسلامی منهای مشاطه گران اصلاح طلب!

گاههای کهریزک و اسیدپاشی به صورت زنان نیز بشدت متاثر است. بوکوحرام و جمهوری اسلامی تفاوت کیفی ای با یکدیگر ندارند. فرقتشان تنها اینست که بوکوحرام از وجود توجیه گرانی نظیر خاتمی و روحانی و جناح اصلاح طلبی که چهره خون آلودش را آرایش کند محروم است.*

"فجایع شرم‌آور بوکوحرام، وجدان بشری را متاثر کرده است." روحانی
بوکوحرام يك نمونه بارز توحش اسلامی است اما فجایعی که در سه دهه اخیر جمهوری اسلامی ببار آورده است دست کمی از جنایات بوکوحرام ندارد. وجدان بشری از کشتارهای دهه شصت و قتل‌های زنجیره‌ای ای دروان خاتمی و جنایات شکنجه چنین ایجاب میکند که همچنان به توهم پراکنی در مورد جناح "معتدل" و "اصلاح طلب" حکومت ادامه بدهند. آوانس دادن به نیروهای اسلامی معتدل، حتی در

خود جامعه آلمان، نیز بخش لاینفک از حکومت يك درصدیها در کشورهای غربی است.*

یک گزارش از گرگان درباره اوضاع و احوال کلی و وضع معیشتی مردم

این گزارش از ایران برای انترناسیونال رسیده است. یک مقایسه بین درآمد ها و قیمت هزینه های زندگی، تصویری از اقتصاد فاجعه بار مردم را نشان می دهد. فاجعه ای که هر روز گسترده تر میشود.

من از گرگان مینویسم. جمعیت گرگان اگر اشتباه نکنم ۳۵۰ هزار نفر است. چند سال قبل از ۸۷ یا ۲۰۰۸ وضع معیشتی به بدی امروز نبود. تعداد کسانی که خودشان را متوسط ارزیابی میکردند بیشتر بود. مثلاً کسانی که میتوانستند به آینده فکر کنند و نیم نگاه برنامه ریزانه ای به آینده داشته باشند. اما الان فقط میتوانی حال را بگذرانی، تعداد دستفروشان بطور محسوس بیشتر شده، اختلاف بین هزینه و درآمد هم بیشتر شده، بعلاوه میزان بیکاری و متاسفانه همینطور تعداد کسانی که گدایی میکنند، شهرداریها جلوی دستفروشی و گدایی را میگیرند تا فاجعه حکومت اسلامیشان به چشم دیده نشود. یک عده ای هم که وضعشان بهتر شده.

تا آنجایی که من اطلاع دارم در مقایسه با سایر سالها، اوج رونق در ایران سال ۸۵ بود. از ۸۵ به بعد سه ضربه اقتصادی، هر کدام از قبلی بدتر، به معیشت مردم وارد شد که میتوان با انگشت نشان داد. یک سهمیه بندی بنزین، دو: طرح یارانه ها، سه: تحریمها.

سهمیه بندی بنزین

روستای زیارت یک روستای کوهپایه ای جنوب گرگان است که مردمانش به آرام بودن شهرت دارند. جنگل ناهارخوران و جنگل زیارت بین گرگان و زیارت قرار دارد. در جاده زیارت غلیان سراهایی بود که رونق داشتند. با وجود این که بین زیارت و گرگان فاصله زیادی نیست اما با این حال، سهمیه بندی بنزین در ۸۷ رفت و آمد به غلیان سراهای را بقدری کم کرد که راحت میتوان گفت ۷۵ درصدشان دیگر نیستند. شب آخر قبل از سهمیه بندی همه پمپ بنزینها پر بود از صف بلند ماشینها. حتی روزهای اول،

خیابانها هم کمی خلوت شده بود، هر بار که بنزین را گران می کنند این اتفاق می افتد ولی باز دوباره برمی گردد به تعادل قبلی. مردم می گفتند بنزین گرون بشه همه چی گرون میشه. وانت بارها و تاکسیها که سهمیه شان بیشتر بود بنزین را بین قیمت آزاد و سهمیه ای می فروختند. ماشینهای درب و داغون که قبلاً ارزان بود بخاطر کارت سوختش کمی قیمتشان بالا رفته بود. الان دیگه اینجوری نیست چون سهمیه خیلی کم شده. گازسوز شدن ماشینها بعد از سهمیه بندی شروع شد.

دو، طرح یارانه ها

این یکی تاثیر بدش بیشتر بود. آبانماه سال ۸۹. اوایل مردم قبضهها را از هم می پرسیدند که برای شما چقدر مثلاً پول گاز آمده. میزان روشن کردن کولرها در تابستان واقعا کمتر شده. نمی دانم چطوری بود که تا کسی کم شده بود مسافر زیاد. همه بدرستی پیش بینی می کردند که همه چی می خواهد گران بشود. هر کس هر چی داشت نمی فروخت.

سه، تحریمها

تحریمها حسابی ضربه زد. دیمه ۹۰، وقتی دلار ۱۰۰۰ تومان بود، تحریمها شروع شد و تیرماه ۹۱ دلار به ۴۲۰۰ رسید. یک هفته رو ۴۲۰۰ ماند و دوباره کم کم پایین آمد و رو ۳۰۰۰ فیکس شد و الان هم یک ماهی می شود که ۳۵۰۰ است. هی آنها تحریم می گذاشتند هی اینها یارانه ها را برمی داشتند. حالا که بعد از آن موج اولیه تحریمها تحریم جدیدی اضافه نکرده اند، هی قیمت نفت پایین می آید هی اینها قیمت نان و گاز و غیره را بالا می برند. بعضی جاها مثل بازار میوه، که قبل از ۸۵ کلا خلوت نمی شد

گفتند قیمت خرید پارتی بعدیمن بیشتر از قیمت فروش پارتی قبلی است. هنوز هم در مورد بعضی از داروها اینطوری است. طبق آمار دولتی مصرف سیگار، امسال دو برابر پارسال شده (بنظر من این یعنی غم و خشم هم دو برابر شده). در گرگان اصلاً فلافل نبود ولی الان هست. بساط های خیابانی خیلی بیشتر شده. دست دوم فروشی زیاد نبود ولی الان زیاد شده. از ۲۰۱۲ به این طرف ماشینهای مدل سال بیشتر در شهر دیده می شود. یه فروشگاههایی هم زدند که اجناس تاپ می آورند. اینها احتمالاً مال همان بعضیها است که وضعشون بهتر شده.

قیمتها

غذا
میوه، زمستان: ۳۰۰۰
تابستان: ۴۰۰۰
سبزیجات: ۲۰۰۰
گوشت، گوسفندی کیلویی: ۲۰۰۰
گاو: ۲۰۰۰
مرغ: ۶۵۰۰
ماهی: ۱۰۰۰۰۰
شیر خشک، یک قوطی برای یک هفته: ۱۵۰۰۰
تخم مرغ، کیلویی: ۴۵۰۰
شیر لیتری: ۲۰۰۰
پنیر قالی (۳۳۰ گرم): ۴۰۰۰
ماست دبه ای: ۶۰۰۰
خامه، بسته ای: ۳۰۰۰
برنج: ۷۰۰۰
ماکارونی: ۲۵۰۰
نان: ۴۵۰۰
حبوبات: ۵۰۰۰
سویا: ۳۵۰۰
روغن، یک و نیم لیتری: ۷۰۰۰
تخمه سمشکه و بادام زمینی، کیلویی: ۱۵۰۰۰
بادام درختی، بسته و فندق: ۴۵۰۰۰

لباس

کاپشن: ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
ماتو تابستانه: ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰
زمستانه: ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰
شلوار: ۴۵۰۰۰۰۰۰۰
ساپورت: ۱۵۰۰۰۰
پیراهن: ۳۵۰۰۰۰
تی شرت: ۲۵۰۰۰۰
کفش، از ۵۰۰ تا بالای ۱۵۰۰۰۰

خانه

گفتند قیمت خرید پارتی بعدیمن بیشتر از قیمت فروش پارتی قبلی است. هنوز هم در مورد بعضی از داروها اینطوری است. طبق آمار دولتی مصرف سیگار، امسال دو برابر پارسال شده (بنظر من این یعنی غم و خشم هم دو برابر شده). در گرگان اصلاً فلافل نبود ولی الان هست. بساط های خیابانی خیلی بیشتر شده. دست دوم فروشی زیاد نبود ولی الان زیاد شده. از ۲۰۱۲ به این طرف ماشینهای مدل سال بیشتر در شهر دیده می شود. یه فروشگاههایی هم زدند که اجناس تاپ می آورند. اینها احتمالاً مال همان بعضیها است که وضعشون بهتر شده.

اجاره خانه ۳۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰
قیمت خانه متری از ۵۰۰۰۰۰ تا بالای ۴۰۰۰۰۰۰

بهداشت و درمان

پوشک نوزاد، ماهانه: ۱۰۰۰۰۰
صابون، شامپو، مایع ظرفشویی، پودر لباسشویی، نوار بهداشتی برای یک ماه یک نفر: ۱۰۰۰۰
ویزیت پزشک عمومی ۵۰۰۰ و متخصص ۳۰۰۰۰
سرماخوردگی معمولی ۳۰۰۰۰
آزمایش، نوار قلب، نوار مغز، سونوگرافی، آندوسکپی، ام آر آی: ۱۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰

آموزش

دانشگاه پیام نور، مهندسی (که واحدهای عملی دارد) ترمی: ۷۵۰۰۰۰ سایر: ۴۵۰۰۰۰
دانشگاه آزاد، مهندسی ترمی: ۱۴۵۰۰۰۰ سایر: ۸۵۰۰۰۰

ارتباط

دیش، رسیور، ال ان بی و نصب: ۳۵۰۰۰۰
اینترنت: ماهی ۲۰۰۰۰
گوشی موبایل: از ۱۰۰۰۰۰۰ به بالا
بلیط اتوبوس بین شهرها، میانگین: ۲۵۰۰۰

تفریح

اسباب بازی قابل استفاده: ۲۰۰۰۰۰
یک شب دریا یا جنگل خوابیدن نفری ۵۰۰۰۰۰
بلیط استخر: ۶۰۰۰
غذای بیرون، ساندویچ: ۵۰۰۰
پیتزا: ۱۵۰۰۰۰ رستوران: ۲۰۰۰۰۰
مشروب: ۳۰۰۰۰۰
سیگار: ۳۵۰۰۰
بیست و چهار ساعت کرایه ایکس باکس: ۲۲۰۰۰
مسافرت چهار نفر، یک هفته: ۱۵۰۰۰۰۰

قبضهها

مجموع قبضه های آب و برق و گاز ماهی ۵۰۰۰۰

درآمد

حقوق و دستمزد کار آزاد: ۸۰۰۰۰۰۰۰۰
شغل دولتی: ۲۰۰۰۰۰۰۰۰
بنزین ۷۰۰ و ۱۰۰۰
هزینه گاز برای ماشین کار مثل تاکسی روزی ۷۰۰۰
قیمت خانه متری زیر ۵۰۰۰۰۰۰ تا بالای ۴۰۰۰۰۰۰۰

جمع آوری دیش های ساتالایت در شهرهای کردستان، مردم در مهاباد با سرکوبگران درگیر شدند



سرکوبگران دست به جمع آوری دیشها زدند. یکی از مقامات رژیم در کردستان اعلام کرده است که سیاست جمع آوری دیشها به شکل گسترده تر ادامه خواهد یافت.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن حمله نیروهای مسلح رژیم به حریم خصوصی شهروندان، از همه مردم درخواست میکند هماهنگ و متحد در مقابل نیروهای رژیم اسلامی بایستند و اجازه ندهد بیش از این حقوق مردم پایمال شود. دسترسی مردم به رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی از جمله حقوق پایه ای هر شهروندی است. مردم نباید اجازه بدهند که سرکوبگران به حریم خصوصی آنها تعرض کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۹ بهمن ۱۳۹۳ - ۲۹ ژانویه ۲۰۱۵

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب در چند روز اخیر یورش نیروهای انتظامی رژیم اسلامی به مردم گسترش یافته است. در جریان یورش وحشیانه نیروهای مسلح رژیم به منظور جمع آوری دیش های ساتالایت، مردم در شهرهای مهاباد و پاوه به مقابله با سرکوبگران پرداختند. هنگامیکه تعداد زیادی از مردم مهاباد دست به مقاومت زدند و نیروهای مسلح را ناچار به عقب نشینی کردند، آنها سراسیمه از مرکز فرماندهی خود درخواست کمک کردند. در جریان درگیری مردم و نیروهای مسلح رژیم در مهاباد یک نفر از مردم زخمی شد.

در پاوه سرکوبگران ضمن جمع آوری دیشها، مردم معترض را مورد تهدید و اهانت قرار دادند. چند روز قبل هم در کرمانشاه و کامیاران

کارگران معدن آق دره باید به اخراجها اعتراض کنند!

۴۰ نفر از کارگران دائمی معدن آق دره از کار اخراج شدند!

کارگر است. برای این باید جنگید. راه دیگری متصور نیست.

کمیته آذربایجان از کارگران معادن همجوار این معدن نیز میخواهد که به هر شکل ممکن به حمایت از مبارزه کارگران معدن آق دره برخیزند و کارگران معترض و اخراجی را در مبارزه شان تنها نگذارند.

زنده باد مبارزه متحدانه کارگران معدن آق دره
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ بهمن ماه ۱۳۹۳ برابر با ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵

و متحد همه کارگران. چه آنها که هنوز سرکار هستند و چه کارگران اخراج شده - میتوان این وضعیت را تغییر داد و کارفرما را وادار کرد که به خواستههای کارگران تسلیم شود. زندگی کارگر برای کارفرما و اداره کار و دولت مهم نیست و آنان جز تامین سود سرمایه دار به چیز دیگری نمی اندیشند. تنها راه مقابله با اخراجها، اعتراض جمعی همه کارگران برای رسیدن به ابتدائی ترین نیازهای زندگی خود و خانواده هایشان است.

کارگران اخراجی و شاغل، با خانواده هایشان صف قدرتمندی را تشکیل میدهند که در صورت حضور اعتراضی در برابر دفتر معدن و اداره کار و فرمانداری میتوانند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند. یا کار یا بیمه بیکاری. این ابتدائی ترین خواست کارگران اخراجی میباشد. کارگران یا باید به سر کار برگردند و یا باید بیمه بیکاری مکفی به کارگران پرداخت شود. داشتن یک زندگی انسانی ابتدائی ترین حق

بنا به اخبار منتشر شده، در روز اول بهمن ماه، پیمانکار معدن طلای آق دره در آذربایجان غربی از ورود ۴۰ کارگر دائمی به این معدن ممانعت کرد.

بدنبال تعدیل ۳۵۰ نفر از کارگران معدن آق دره در اول دی ماه امسال تحت عنوان کارگر فصلی و اعتراض کارگران به اخراجشان در همین رابطه، کارفرما را با فراتر گذاشته و دست به اخراج ۴۰ نفر از کارگران دائمی معدن زده است. فصلی و قراردادی و از این قبیل عناوین ابزارهای در دست کارفرما و صاحب معدن هستند که با توسل به آنها دست خود را برای اخراج کارگران باز گذاشته اند. در اوضاع و احوال بحرانی موجود در ایران، سرمایه داران به هر بهانه ای مشکل بحران اقتصادی و سیاسی موجود را به دوش کارگران میاندازند و با این گونه اخراجها، میخواهند سودآوری سرمایه هایشان را تضمین کنند. برای سرمایه دار و کارفرما در ایران مهم نیست که کارگر و خانواده اش با بیکارشدن باید با گرسنگی و دربدری روبرو شود و زندگی شان نابود شود.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری از همه کارگران معدن طلای آق دره میخواهد که به اخراجها اعتراض کنند. نباید دست روی دست گذاشت و ساکت نشست. تنها با اعتراض جمعی



عکس از آرشیو

اطلاعیه شماره ۱۴: "کمپین بهنام را آزاد کنید"

حمایت اتحادیه کارگران پست کانادا از بهنام ابراهیم زاده



سیاسی و خطر جانی برای او هستیم. ما درخواست آزادی فوری او از زندان را داریم. ارادتمند دنیس لمیلین رئیس سراسری اتحادیه پست کانادا

حمایت های تا کنونی از بهنام ابراهیم زاده: - اتحادیه سراسری کارگران سوئد، ال او، اتحادیه سراسری کارگران تونس، جی یو تی تی، سازمان سراسری کارگران ساختمانی عراق، شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا، سازمان عفو بین الملل شعبه سوئد، جمعی از زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر و...

ترجمه فارسی نامه
از: اتحادیه کارگران پست کانادا به: حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵
از طرف ۵۴۰۰۰ عضو اتحادیه پست کانادا خواستار آزادی بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک که بطور ناعادلانه ای ۴ سال است که در زندان است، هستیم. ما همراه با نهادهای انساندوست در سراسر جهان نگرانی خود را اعلام میکنیم. ما بویژه از وخامت بیشتر وضعیت جسمی بهنام ابراهیم زاده بعد از اعتصاب غذای اخیر وی نگرانیم. ما همچنین نگران انتقال او به بند زندانیان غیر

این نامه ضمیمه است.
۲۹ ژانویه ۲۰۱۵
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
www.iranpoliticalprisoners.com

نامه ای خطاب به حسن روحانی حمایت خود را از بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری در زندان اعلام داشته و خواستار آزادی فوری او شده است. ترجمه فارسی و متن اصلی

بدنبال تلاش های داود آرام از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کشور کانادا، رئیس اتحادیه کارگران پست این کشور به نمایندگی از ۱۵۴۰۰۰ کارگر عضو این اتحادیه طی

سخنرانی های مینا احدی

در دو کنفرانس در فرانکفورت و گومرزباخ آلمان در ماه فوریه ۲۰۱۵



سمینارها حضور بهم رسانند. نهاد اکس مسلم - آلمان
۲۹ ژانویه ۲۰۱۵

mode/teaserstart/detail/4927.html
سازمان اکس مسلم از علاقمندان دعوت میکند در این

در روز شنبه ۲۸ فوریه سخنرانی خواهند کرد.

16.00 Uhr
Podiumsdiskussion
Sevran ATEŞ,
Rechtsanwältin und
Autorin
Mina AHADI,
Vorsitzende Zentralrat
der Ex-Muslime

اطلاعات دقیق در مورد سخنرانیها و کل برنامه در این لینک قابل دسترس است.

<http://www.stiftungen.org/de/veranstaltungen/terminkalender/detailseite-termine/>

http://hpd.de/veranstaltungen?action=cal&id=1152&tab=cal_single

مینا احدی در ماه فوریه از جمله در دو کنفرانس در مورد اسلام و جنبش اسلامی و نحوه مقابله با این جنبش سخنرانی



سمینار در گومرزباخ آلمان

کنفرانس دوم سمینار سه روزه در شهر گومرزباخ به دعوت بنیاد فریدریش نئومن است که در مورد رابطه اسلام و دموکراسی است، آیا اسلام با دموکراسی در تضاد است؟

در این سمینار سه روزه تعداد زیادی از شخصیت های آلمانی سخنرانی خواهند کرد. مینا احدی و سیران آتیش چهره های سرشناس منتقد اسلام در آلمان در یک پانل

خواهد کرد. کنفرانس اول در بیست ماه فوریه در فرانکفورت و کنفرانس دوم در ۲۸ ماه فوریه در گومرزباخ است.

روز جمعه ۲۰ فوریه مینا احدی و هارتموت کراوس به دعوت واحد فرانکفورت سازمان "جردانو برونو" مهمان شهر فرانکفورت هستند در کنفرانسی با عنوان: رابطه اسلام با فاشیسم، نگاهی به تره های حامد عبدالصمد منتقد سرشناس اسلام در آلمان.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود